

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۰

تحلیل و تبیین فقهی، حقوقی و عرفانی توبه در اسلام

محمد جلیل رضایی^۱

جواد پنجه پور^۲

هرمز اسدی کوه باد^۳

چکیده:

انسان به واسطه اختیار و عقل خدادادی، در برابر رفتار و گفتار خویش مسؤولیت دارد و در تخطی از کارهای خلاف شرع، مجازات می‌شود، در این میان گاهی عواملی وجود دارد مانند توبه، موجب سقوط مجازات و عفو می‌گردد، توبه، یکی از موضوعات مهم اسلام است که در شریعت، عرفان و قانون مجازات اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در فقه جزایی اسلام، یکی از عوامل سقوط و عفو و تخفیف مجازات‌های حدی به جزء حد قذف می‌باشد، رویکرد این مقاله، تبیین این مسأله است که آیا توبه می‌تواند با این تئوری اسلامی در عمل مورد پذیرش و قابل بهره‌برداری باشد؟ نگارندگان در این مکتوب با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، بر آنند که این مسأله را در فقه و قانون مجازات اسلامی با رویکرد عرفانی تحلیل و توجیه نمایند، یافته‌ها حاکی از رویکرد نوین قانونگذار در راستای تحولات قانون مجازات اسلامی ۹۲ است که با پیش‌بینی نهاد توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات، این مفهوم را به صورتی قاعده‌مند وارد نظام کیفری ایران کرده است و چنان که بانظرگاه شریعت و عرفان بررسی شود، نقش عملی توبه را در اصلاح، بازپروری و رشد معنوی انسان مجرم، بیشتر نمایان می‌سازد و با این نگاه و معیارهای فقهی و عرفانی، قاضی آسان‌تر به احراز توبه و ندامت و اصلاح مجرم، دست می‌یابد،

کلید واژه‌ها:

توبه، فقه، حقوق، عرفان و سقوط مجازات،

^۱ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، اصفهان، ایران،

^۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، نویسنده مسئول:

j.panjepour@gmail.com

^۳ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی،

پیشگفتار

یکی از برتری‌های قوانین اسلامی نسبت به سایر قوانین جهانی، نگاه فرا انسانی یا نگاه قرآنی به آن است و آن جایی است که قرآن راهگشای مسایلی بوده که در قوانین بشری به ندرت دیده شده و در عین حال با فطرت پاک انسانی سازگار است،

توبه یکی از این موضوعات مهم و مشترک میان علوم قرآنی، حقوق، کلام، اخلاق و عرفان اسلامی است و در هر کدام نگاه اصلاحی و سعادت‌مندانه برای بشر، بر آن اساس بنا نهاده شده و از جنبه مثبت و ارزشی به آن پرداخته شده و یک امتیاز ویژه در مکتب اسلام به شمار رفته است، اساساً توبه یک دستور موکد قرآن و سنت است و در آیات و روایات متعددی از آن بحث شده و انسان به آن تشویق و ترغیب و سقوط کیفر به صراحت در برخی از آنها مطرح شده است، «از نشانه‌های اهمیت توبه، تاریخ دیرینه آن است؛ زندگی آدم ابوالبشر در این ناسوت خاکی با آن آغاز می‌شود، پیام آوران بزرگی همانند ابراهیم، اسماعیل، یونس، موسیو پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله - همواره در حال توبه و در طلب توبه الهی بوده‌اند، امیرالمومنین علی ابن ابی طالب - علیه السلام - که همه صوفیان و عارفان بوجودش افتخار می‌کنند و وی را مرشد مرشدان و... می‌دانند - و فرزندان معصومش - بویژه امام زین العابدین - علیه السلام - رهنمودهایشان و خصوصاً نیایشهایشان مملو از توبه و استغفار است و سلوک معنوی بسیاری از ستاره‌های درخشان آسمان عشق و عرفان مانند رابعه عدویه، ابراهیم بن ادهم و فضیل عیاض و... با توبه آغاز می‌گردد و بسیاری از عارفان بزرگ آن را نخستین گام سالک در راه سازندگی می‌دانند، از دیدگاه قرآن هم که بی‌گمان از مهمترین منابع عرفان است، دهها آیه به این امر خطیر اختصاص داده شده است، واژه «توبه» و مشتقاتش نمود و دو بار و «استغفار» و مشتقاتش چهل و پنج مرتبه در کتاب خدای عزوجل استعمال شده است،» (حسینی، ۱۳۷۲) درنگاهی به تاریخ صدر اسلام همین بس که: توبه غلام وحشی، قاتل حمزه سید الشهداء عمویرسول خدا (ص) است که فجیع‌ترین و تلخ‌ترین حوادث زندگانی آن رهبر انسانیت بود و پیامبر بر توفور رحمت (ص) او را مورد بخشش قرار داد،

نظام کیفری اسلام با پیش‌بینی نهاد توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات کمک‌شایانی در شناساندن هدف نظام کیفری خود نموده است، چنان‌که می‌توان رویکرد اصلاح مجرم و کارآیی آن را در راستای عدم تکرار جرم و نیز توجه به مجرم و جامعه با حفظ امنیت آن از این طریق را دریافت، امروزه جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان هم، یکی از مهم‌ترین راهکارهای اصلاح مجرمین را

درونی کردن ارزش‌ها توسط مجرم دانسته‌اند؛ موضوعی که نظام کیفری اسلام با پیش‌بینی نهاد توبه به بالاترین حد آن دسته یافته است، اهمیت این تأسیس در نظام کیفری اسلام تا آن حد است که توبه مجرم، موجب سقوط مجازاتهای سنگین حدی مانند محاربه و زنا خواهد شد،

بدیهی است که قانون مجازات اسلامی ۹۲ متأثر و منبعث از فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه است و اساس فقه اسلامی هم، قرآن و سنت است، از طرف دیگر، عرفان اسلامی هم ریشه در سنت و شریعت اسلامی دارد و شریعت جزء لاینفک عرفان اسلامی است، به تعبیر شفیعی کدکنی «عرفان نگاه هنری و جمال‌شناسانه نسبت به الهیات ودین» است، (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۸) این حلقه ارتباط، اهمیت این پژوهش تطبیقی را مضاعف کرده است،

بررسی و تحلیل توبه در اسلام بارویکرد عرفانی، فقهی، حقوقی، می‌تواند شباهت و تفاوت کارکرد آن را در نظریه و عمل، از این سه زاویه تاحدی روشن کند و این سؤال را پاسخ گوید که آیا این کارکرد در آن‌ها متفاوت یا شبیه به هم اند و یا مکمل و متمم همدیگر در اجرا و عمل هستند؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون تحقیقی که به بررسی مقایسه‌ای و کامل فقه و حقوق کیفری در باب توبه بارویکرد عرفانی پرداخته باشد صورت نگرفته است، اما پژوهش‌هایی در ارتباط با مبانی نظری این تحقیق انجام پذیرفته که عبارتند از:

- صادقی، محمد هادی، مقاله «نقش توبه در حدود و تعزیرات»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۳
- صدیقی طیب، «آثار توبه و نقش آن در اجراء و اسقاط مجازات اسلامی»، پایان نامه ارشد،

۱۳۷۹

- طاهری، محمدعلی‌وامینی، جهاندار، «توبه مجرم در فقه مقارن حقوق جزا»، مطالعات تقریبی مذاهب

اسلامی، سال نهم، ش ۳۵: ۱۳۹۳

- حسینی، سید علی، «توبه و جایگاه بلند آن در عرفان»، فصلنامه معرفت، شماره ۶: ۱۳۸۸

۲-۱- مفاهیم پژوهش

۱-۲-۱- توبه

«توبه» در لغت به معنای رجوع مقید: یعنی بازگشت از گناه می‌باشد، (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۱۴۹۹) در اصطلاح روایی عبارت است: «التوبه ندم بالقلب و استغفار باللسان و ترک بالجوارح و اضرار لایعود» که سخن معصوم دلالت بر معنای اصطلاحی توبه دارد (طاهری، ۱۳۸۴، ۷)

۱-۲-۲- قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی ایران مهمترین مجموعه قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران است که در ۸ مرداد ۱۳۷۰ توسط کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۷ آذر ۱۳۷۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شده است، این قانون ۴۹۷ ماده و به همراه قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۷۲۹ ماده دارد و کلیه قوانین مغایر پیش از خود از جمله قانون مجازات عمومی ایران سال ۱۳۰۴ را ملغی اعلام کرده است، این قانون از سال ۱۳۷۰ تاکنون به طور آزمایشی در حال اجرا بود که مجدداً در سال ۱۳۸۸ به طور کامل تغییر و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در سال ۱۳۹۲ لازم الاجرا گشت،

۱-۲-۳- فقه

فقه، در لغت یعنی دانستن و عالم به چیزی بودن، علمی است که از فروع عملی احکام شریعت بحث می‌کند و مبنای فقه، کتاب و سنت است، (فرهنگ معین: ذیل واژه) شریعت منطبق بر فقه است، به عبارت دیگر شریعت آن چیزی است که فقه در صدد فهم آن است و اگر فقه نباشد هیچ راهی برای رسیدن به شریعت پیدا نمی‌کنیم،

۱-۲-۴- حدود

حدود جمع حد است، حد گناهان و جرائم مهمی که شارع اسلام برای آنها جزا (کیفر) در نظر گرفته است عبارتند از: زنا، قوادی، قذف، نوشیدن مسکرات، دزدی، محاربه، ارتداد،

۱-۲-۵- عرفان

عرفان در لغت به معنای شناخت و شناسایی است و در اصطلاح، معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می‌شود، کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند، (انصاری، ۱۳۷۸: ۹) عرفان [و تصوف] در بسیاری از اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان و حتی مکاتب فلسفی شایع و رایج است و تأثیرگذار در زبان و اندیشه، در تاریخ، فرهنگ و ادبیات اسلامی و ایرانی بوده است، «در زبان گویندگان پارسی، اصول و مبانی این تفکر فراگیر گاهی به احترام و زمانی به انسان و وقتی با اصلاح و دگرگونی یاد شده است»، (همان: ۵)

۲- مفهوم توبه در متون، فقه و حقوق اسلامی

توبه را در لغت «بازگشتن از بی راهی و آمدن باز راه» تعریف کرده‌اند، (غزالی، بی تا: ۷۵۳)، گروهی به معنای رجوع مقید، یعنی بازگشت از گناه تعبیر کرده‌اند، «التوبه الرجوع من الذنب» (ابن

منظور، ق ۱۴۱۴: ۳۵۷) توبه به معنای بازگشت از گناه است، «توبه» در لغت به معنای پشیمانی و بازگشت از معصیت به سوی طاعت خداوند است، (حمیری، ق ۱۴۲۰: ۳۲۸)

از نظر اصطلاحی توبه، عبارت است از پشیمانی و بازگشت از گناه و جرم و خودداری مجرم از ارتکاب و تکرار جرم و گناه (ولیدی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۹) توبه در لغت به معنای بازگشت است و در قرآن کریم، هم به خدا نسبت داده شده و هم به انسان، توبه خدا به معنای برگرداندن لطف و رحمت خود به سوی بندگان، و توبه انسان به معنای برگشت او از حالات و اعمال فاسد گذشته خود است، لذا هر توبه انسان محفوف به دو توبه از خداست به این بیان که: اول خدا توبه می‌کند؛ یعنی لطف خود را به بندگان گناهکار برمی‌گرداند و با این لطف، انسان، متوجه بدی‌های خود می‌شود، او پس از این توجه، توبه کرده و از افعال و اعمال گذشته خود پشیمان می‌شود و برمی‌گردد، پس از این حالت، بار دیگر خدا لطف کرده و توبه او را می‌پذیرد،

بسیاری از متکلمان، فیلسوفان و دانشمندان اسلامی به مقوله توبه در رسالات و آثار خویش توجه خاص داشته‌اند، امام محمدغزالی بخش‌های جداگانه از آثار بزرگ خویش مانند احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت و مشکاه الانوار را به توبه اختصاص داده و گفتار عرفانی و ملایم خود در مورد توبه را به آیات و احادیث مزین و مصدق کرده است، خواجه نصیر طوسی در کتاب تجرید بخش ممتازی را به بررسی و نقش و مفهوم توبه مختص کرده و چون غزالی توبه را از امور مهم و انسان ساز برشمرده است،

۲-۱- توبه در شریعت و فقه اسلامی

توبه در شریعت و فقه اسلامی جایگاه خاصی دارد، خداوند در قرآن کریم علاوه بر تشویق مرتکبین گناه به توبه، آن را راهی برای جبران گذشته از سوی خود اعلام نموده است: «الامن تاب و امن و عمل صالحا فاولئك سبيل الله سيئاتهم حسنات و كان الله غفورا رحیما» (فرقان آیه ۷۰)؛ «یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار»، (تحریم: آیه ۸)، البته توبه به معنای صرف پشیمانی و بازگشت از گناه نمی‌باشد؛ بلکه این پشیمانی در صورتی معتبر می‌باشد و توبه به حساب می‌آید که همراه با اصلاح گذشته باشد؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه»، (مائده: ۳۹)، (حاجی ده آبادی: ۱۳۹۴)

در روایات، توبه به عنوان والاترین مهارت معرفی شده است «وای طهاره افضل من التوبه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۸) امام علی توبه را چنین معنا می‌کند: «التوبه ندم بالقلب و استغفار باللسان و ترک بالجوارح و اضمار آن لایعود»، توبه از چهار چیز تشکیل می‌شود: اول: پشیمان شدن

قلبی، دوم: آن پشیمانی در قالب استغفار به زیان جاری گردد؛ سوم: در کنار آن دو، ترک معاصی و رها کردن فسادهای گذشته تحقق یابد، چهارم: تصمیم بر این که در آینده نیز آن گناهان و فسادهای تکرار نگردد»، به هر حال پشیمانی از گذشته و تصمیم بر ترک کردار زشت در آینده و ابراز این حالت با ذکر استغفار، بدنه اصلی توبه را تشکیل می‌دهند، (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۱۶) علمای اخلاق مقصود از توبه را «بازگشت به خدا با خالی ساختن دل از معصیت و رجوع از دوری درگاه الهی به قرب و نزدیکی» بیان کرده‌اند، (نراقی، ۱۴۰۹، ۳۸)

برخی از فقها، حقیقت توبه را ندامت برگزیده زشت به سبب قبح آن و عزم بر اجتناب از مانند آن در آینده دانسته‌اند «الندم علی ما فی القبیح لوجه قبحه و الغرم علی اجتناب مثله فی المستقبل»، (حلی، بی تا، ۲۴۲)

۲-۲- توبه در حقوق و قانون مجازات اسلامی

توبه پس از انقلاب اسلامی در قوانین کیفری ایران وارد شد، در حالی که این تاسیس قانونگذار به عنوان عامل سقوط مجازات در قوانین کیفری پیش از انقلاب در نظر گرفته نشده بود، بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی اولین بار قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱ بر این موضوع پرداخت، قانون موصوف با تکیه به قول مشهور فقها مبنی بر سقوط مجازات مجرم در صورت توبه پیش از اثبات جرم به وسیله شهود و نیز اختیار قاضی در عفو یا اجرای حد در صورت اثبات جرم به وسیله اقرار، با وجود اعمال این قانون در شرب خمر، زنا و لواط و تفخیز و مساحقه، از بیان آن در مجازات قوادی غلفت کرده بود، مثلاً ماده ۲۱۱ قانون فوق‌الاشاره صراحت بر این داشت که توبه محارب قبل از دستگیری موجب سقوط مجازات است، پس از این قانون، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، در موارد متعددی قبل و بعد از اثبات جرم در حدود و موارد متعددی در تعزیرات، توبه را از معاذیر ساقط کننده مجازات بر شمرده است، با این فرق که نسبت به تاثیر توبه در سقوط مجازات محاربه سکوت کرده بود، قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ نیز تاثیر توبه در سقوط مجازات‌های تعزیری را به عنوان اصل مطرح نکرده بود، و تنها در برخی موارد به عنوان استثناء این موضوع را پذیرفته بود، (حاجی ده آبادی، پیشین، ۹)

در بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، همگام با تحولات دیگر قوانین، در موضوع توبه هم، تحولاتی رخ داد، در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ به مبحث توبه مجرم اختصاص پیدا کرده است، مطابق با قانون توبه باعث می‌شود که مجرم در شرایطی از مجازات رهایی یابد، این تاسیس شرعی و فقهی در دل قانون مجازات اسلامی راه را برای اصلاح مجرم باز گذاشته است، از میان چهار نوع مجازات احصا شده در قانون مجازات اسلامی، قصاص و

دیات حق الناس بوده و به شخص مجنی علیه تعلق دارد؛ لذا طبیعی است که تنها با اعمال آنها و یا گذشت شخص صاحب حق ساقط می‌شود و توبه مجرم تاثیری در سقوط آنها ندارد، (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۱۱) در این مورد ماده ۱۱۶ قانون موصوف مقرر می‌دارد: «دیه، قصاص،...» با توبه ساقط نمی‌گردد، «پیش بینی نهاد توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات در بخش کلیات، یکی از دستاوردهای قانون مجازات جدید است که به واسطه حدوث آن، به رغم وقوع جرم و تحقق مسئولیت کیفری و انتساب بزه به مرتکب، موجبات معافیت از مجازات فراهم شده و جهت تطبیق بهتر قانون با واقعیت‌های اجتماعی و بستر سازی اصلاح مجرمین فرصتی برای نظام قضایی فراهم می‌شود، (شمش ناتری، ۱۳۹۳، ۲۵۵) قاعده‌ای که ماده ۱۱۴ از ارکان آن بهره برده است، در اصطلاح مشهور فقها به «قاعده سقوط حد با توبه قبل از اثبات» معروف است، (گلریز، امین، ۱۳۹۴، ۱۸۰) مستند فقهی ماده ۱۱۴ را می‌توان به روایت مرسله جمیل بن دراج و مرسله ابن نصیر و صحیحہ عبدالله بن سنان و نیز روایات موجود در فضیلت توبه دانست، (عاملی، بی تا، ۳۷) چنانکه تردید و شک حاصل شود در توبه و یا عدم آن؛ به زعم فقهایی که قاعده سقوط حد با توبه را پذیرفته‌اند، باید اذعان داشت «...» اصل عدم، ثابت نبودن حد را اقتضاء می‌کند نه بقا استصحاب را، (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲، ۱۳۹) قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر پذیرش قول مشهور فقها در ارتباط با سقوط یا اختیار امام در ساقط نمودن مجازات‌های حدی با تحقق توبه مجرم، این موضوع را تحت ضابطه و قاعده‌ای کلی مطرح نمود که قابل اعمال بر تمامی مجازات‌های حدی است، به علاوه این قانون امکان سقوط یا تخفیف مجازات‌های تغزیری با تحقق توبه را نیز به عنوان قاعده کلی پذیرفته است، (حاجی ده آبادی، همان، ۱۱)

۳- نقش توبه در سقوط مجازات‌ها (بر اساس فقه و قانون مجازات اسلامی)

۳-۱- مجازات‌های حدی

حد در لغت به معنی دفع، باز داشتن از کاری، جدا کردن چیزی از چیزی، مایل میان دو چیز، نهایت هر چیزی، حکم شرعی، مرز و غیره و جمع آن حدود می‌باشد، حد در اصطلاح فقها چنین تعریف شده است: «کل ماله عقوبه مقدره یسمی حداً و مالیس کذلک یسمی تعزیراً؛ «هر جرمی که دارای مجازات مشخص باشد حد نام دارد و هر آن چه غیر از این باشد تعزیر است» (حلی، ۱۴۰۳، ۹۳۲) ماده ۱۵ از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ مقرر می‌دارد: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است، (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۲)

در یک تقسیم بندی حقوق را به دو قسم می‌توان تقسیم کرد: حق اللهو حق الناس، فقها و

حقوقدانان مسلمان، حق الله را با تعبیر گوناگون تعریف کرده‌اند، برخی از آنها حق الله را در برابر حق الناس و به معنای حقوق عمومی تعبیر کرده‌اند و می‌گویند: حق الله به معنای چیزی است که معادل حق جامعه است و جرایمی است که مرتبط با طهارت و پاکیزگی اجتماع باشد، این فضیلتی است که از دین برخاسته که اجتماع را از اضمحلال و نابودی حمایت می‌کند، (ابوزهره، بی‌تا، ۶۴)، در این مقال، برای جلوگیری از اطالة کلام به تحلیل و تبیین توبه در حوزه حق الله پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱- نقش توبه در حدود (حق الله) مانند محاربه، شرب خمر، بغی

۳-۱-۱-۱- محاربه: محاربه عبارت است از «کشیدن سلاح برای ترساندن مردم با ایجاد فساد در زمین» و محاربه؛ مصدر باب مفاعله از ریشه حرب و به معنای تاراج و غارت غنایم در جنگ است، و تحریب «آتش جنگ را افروختن است»، (حبیب زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶) برخی از فقیهان محاربه را چنین تعریف می‌کنند: «اوباش و اهل فساد و در صورتی که در سرزمین اسلام سلاح بر کشند و مال مردم را غارت کنند محارب می‌باشد، (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

توبه محارب قبل از دستگیری، قابل پذیرش است، دین مقدس اسلام فرصتی را به افراد محارب و مفسد فی الارض، به منظور رهایی از مجازات داده است و این فرصت در قالب قبول توبه آنها قبل از دستگیری ظهور پیدا کرده است، خداوند می‌فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون»، الا الذین تابوا من قبل ان تقدر و علیهم»، (سوره مائده، آیات ۳۳ و ۳۴) همانا کیفر کسانی که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و به فساد در روی زمین بکوشند، جز این نیست که آنان را به قتل رسانند یا به دار آویزند یا دست و پای آنها را بر خلاف یکدیگر ببرند یا تبعید کنند، مگر آن که پیش از دست یافتن بر آنان توبه کنند، سپس بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است،

در «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۹۲، تبصره ۱ ماده ۱۱۴ آمده است: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است»، با توجه به درونی بودن امر توبه، باید نمودهای خارجی آن به گونه‌ای باشد که تحقق توبه و به عبارت دیگر ندامت و بازگشت مرتکب برای قاضی احراز شود، این نکته در متن ماده ۱۱۴ با عبارت «و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» مورد تاکید مقنن قرار گرفته است، (میرمحمد صافی، ۱۳۹۴: ۵۶، ۵۷)

برابرایه و طبق نظریه مشهور امامیه و قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۱۴، توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات است، (هماهنگی بین شریعت و قانون)

مشهور فقهای امامیه، اعتقاد دارند که توبه بعد از دستگیری مرتکب با اثبات جرم با شهادت شهود (بینه) مجازات را ساقط نمی‌کند؛ اما در صورتی که جرم با اقرار ثابت شود، امام در عفو یا اقامه مجازات مجرم مخیر است، (سلطانیان، ۱۳۸۶، ۱۴۷) لذا توبه بعد از دستگیری و محاکمه و اثبات

جرم و قبل از اجرای حد تأثیری در سقوط حد ندارد، این نظر در تمامی حقوق جاری است (نجفی، ج ۴۱؛ ص ۹۸۱) عدم پذیرش توبه محارب بعد از دستگیری، به جهت وجود تهمت واقعی بودن توبه اوست و ممکن است توبه وی صادقانه نباشد و از روی ترس و به منظور فرار از مجازات بوده باشد، (مومنی، ۱۳۸۲، ۲۷۶)

۳-۱-۲- شرب خمر

در قرآن کریم اگر چه در چند آیه به بخشی از زیانهای شراب و حرمت آن اشاره و تصریح شده، ولی کیفر آن نه در قرآن و نه به صورت روشن در سنت پیامبر (ص) آمده است، بخاری از انس روایت کرده که پیامبر (ص) در شرب خمر به زدن چوب و نعلین تأدیب کرده است، در کتاب علی (ع) آمده است که «یضرب شارب الخمر ثمانین و شارب النیذ ثمانین» عثمان حد شرب را چهل تازیانه می‌دانست و در میان مذاهب اسلامی فقط شافعی حد شرب خمر را چهل تازیانه دانسته و چهل تازیانه دیگر را جز تعزیر به شمار آورده است، شراب از حیث طبی و اجتماعی مشتمل بر زیانهای بسیاری است که دنیای متمدن امروز کم و بیش بدان اعتراف می‌کند (فیض، ۱۳۶۹، ۲۵۰)، به عقیده فقهای امامیه حرمت شرب مسکر اختصاص به خمر ندارد؛ بلکه جنس هر مسکری حرام است و تحریم آن به مقداری که شخص را مست کند اختصاص ندارد (شهید ثانی، بی تا، ۱۱۰) اما اگر شارب خمر قبل از اقرار و یا شهادت شهود توبه کند و توبه وی برای حاکم احراز شود و شخص شارب اصلاح گردد حد از او برداشته می‌شود ولی اگر توبه وی بعد از اقرار و شهادت شهود باشد امام بین استیفاء حد و عفو مخیر می‌باشد، (حلی، ۱۴۰۳، ۴۱۳) چنان چه اثبات شرب از طریق اقرار شارب باشد امام مخیر است بین عفو و اقامه حد، (خوئی، همان: ۲۷۹) شرب خمر نیز مشمول قاعده عمومی ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص توبه در جرایم موجب حد می‌گردد؛ یعنی در صورت احراز توبه متهم قبل از اثبات جرم، حد ساقط می‌شود،

۳-۱-۳- بغی - باغی

بغی در لغت به معنای تجاوز از حد است و بغی: طلب توام با تجاوز از حد می‌باشد این معنا با مطلق تجاوز قابل جمع است زیرا تجاوز از طلب جدا نمی‌باشد، هر جا که تجاوز هست طلب نیز هست (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۰۷) در اصطلاح فقهی عبارت است از خروج بر امام و ترک اطاعات و فرمان برداری او، امتناع از انجام تکالیف و حقوقی که متوجه آنها است، (الشربینی، جلد ۴، ۱۴۱۵: ۱۵۱) بغی به معنای اراده و قصد تجاوز و طلب آمده است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۱۳۶) در اصطلاح فقها به جرم سیاسی «بغی» و به مجرمین سیاسی «بغاه» یا «فئه باغیه» گفته می‌شود، بغاه؛ به

این دلیل به او «باغی» گویند که از حد مرسوم و عرفی خودش تجاوز می‌کند، «و البغی؛ مجاوزه الحد»، و بنابر قول ضعیفی معنای باغی به این دلیل است که او ظالم است و بغی به معنای ظلم می‌باشد، اهل عامه از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند که فرمود: «هر کس بر ما سلاح بکشد از ما نیست» (حلی، علامه، بی تا، ج ۹، ۳۹۱) هدف از مبارزه با بغاه براساس آیات ۹ و ۱۰ از سوره حجرات، اصلاح و نیز باز داشتن آنان از آن چه که در پیش گرفته‌اند، نه کشتن یا مجازات کردن آنان، تفکیک دو عنوان بغی و محاربه از آن روست که محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است، افراد باغی در هر حال از قتال چنان که رجوع کنند، بر حاکم مسلمانان واجب است که توبه آنها را قبول کند و از مبارزه با آنان خودداری کند، زیرا هم چنانکه اشاره شد هدف از مبارزه، توبه و بازگشت افراد باغی به اطاعت و فرمانبرداری از حکومت است، (میرمحمدصادقی، همان، ۶۴) حال اگر باغی توبه کند آیا مسئولیتی در قبال آن چه مرتکب شده از قتل نفس یا اتلاف مال خواهد داشت؟

توبه محارب در صورتی که قبل از دستگیری او باشد مسقط حد است و توبه بعد از دستگیری مورد قبول واقع نمی‌شود؛ اما توبه باغی درباره آنهایی که دارای تشکیلات هستند مطلقاً پذیرفته نمی‌شود ولی در خصوص آنهایی که دارای تشکیلات نیستند مطلقاً پذیرفته می‌گردد، (نعناکار، ۱۳۷۷، ۱۷۵)، توبه مفسد الارض پس از دستگیری قبول نمی‌شود ولی توبه باغی پس از دستگیری پذیرفته می‌شود مگر آن که دارای تشکیلات باشد، (ولیدی، همان، ۸۵)

قانون مجازات اسلامی نیز مطابق با نظر مشهور فقها در مواد ۲۸۶ الی ۲۸۸ به مبحث بغی و باغی پرداخته است،

۳-۱-۴- زنا

زنا کلمه عربی است و در معانی، معادل فسق به معنای بی‌ناموسی کردن، به معنای ارتکاب کار زشت و بی‌عفتی مربوط به جفت شدن مرد و زن با یکدیگر است، (خویی، همان، ۱۸۶) از بزرگترین گناهان زناست که شارع مقدس برای آن مجازات سنگین در نظر گرفته است، حال اگر شخص زانی توبه کند، احکام تغییر پیدا می‌کند لذا توبه زانی می‌تواند سه حالت داشته باشد:

قبل از شهادت شهود

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده قبل از اثبات آن در محکمه، توبه نماید، مشهور فقهای امامیه براین عقیده‌اند که حد از او ساقط می‌گردد «لوتاب المشهود علیه قبل قیام البینه، فالمشهور سقوط الحد عنه، و اما بعد قیامها فلا یسقط»، (خویی، همان، ۱۸۶) قائلین به سقوط حد زنا به زبان

مشهور فقها به مستنداتی می‌باشد،

۱- مرسله جمیل بن دراج: درباره شخصی از امام صادق (ع) سوال شد که مرتکب دزدی و شرب خمر و زنا شده است، ولی این جرایم اثبات نمی‌شود و او دستگیر نمی‌شود تا اینکه توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود حکم او چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سر بزند، حد بر او جاری نمی‌شود، (حرعاملی، پیشین: ۳۳۸)

۲- شبهه: مطابق با قاعده فقهی حقوقی «الحدود تدرء بالشبهات» زمانی که زنا کار قبل از ثبوت جرم توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود؛ در این حال، اصل عدم ثبوت حد، ثابت نبودن حد را اقتضا می‌کند؛ زیرا در توبه قبل از اثبات، وجود حد مشکوک است، (سوره مائده آیات ۳۳ و ۳۴)

۳- آیه و استدلال محاربه: «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً، الا الذین تابوا»، (مکارم شیرازی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق: ۳۴۲)

نحوه استدلال به این صورت است که اگر حد محاربه که شدیدتر از برخی اقسام زنا و شدیدتر از سایر حدود است با توبه قبل از دستگیری ساقط می‌شود، حد زنا نیز به طریق اولی با توبه ساقط می‌شود، بنابراین با توبه قبل از اثبات، باید در حق مجرم، به تخفیف قایل شد و حد را بروی اجرا نکرد، (اردبیلی، احمد، ج ۱، ۱۴۱۶، ۴۸)

در ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰، قانونگذار به تبعیت از موازین فقهی ناظر به حد زنا حکم خاصی را در خصوص توبه زانی یا زانیه پیش بینی کرده بود، (ولیدی، پیشین، ۱۲۵) «هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می‌شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی‌شود» (حرعاملی، همان: ۳۲۸)

بعد از شهادت شهود (توبه زانی)

مشهور فقها بر این اعتقاد هستند که اگر توبه زناکار بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی‌گردد، روایاتی بر این معنا دلالت می‌نمایند «لیس للامام ان یعفو بعد قیام البینه» (صدیقی، ۱۳۷۹، ۴۶)

توبه زانی بعد از اقرار

اگر زنا با اقرار زانی ثابت شده باشد و بعد از اقرار زانی یا زانیه توبه نماید، در این صورت قاضی مخیر است که حد را اجرا نماید یا تقاضای عفو او را از ولی مسلمین نماید، (صدیقی، همان) امروزه رعایت مصلحت فردی و اجتماعی و عواقب اجرای این گونه حدود، یکی از ابتکارات

کارگزاران در این حوزه است که در راستای بازگشت مجرم به اجتماع و اصلاح فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود،

۳- مبانی عرفانی توبه در سقوط مجازات‌ها

عرفان در لغت به معنای شناخت و شناسایی است و در اصطلاح، معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می‌شود، کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند، (انصاری، ۱۳۷۸: ۹) در توصیفی دیگر، عرفان به معنی «شناخت و آگاهی و درایتی است که بعد از جهل و نادانستن به دست می‌آید و یاد کردنی است که بعد از فراموشی حاصل گشته باشد و در اصطلاح معرفت قلبی و شناخت خدای و عبادت عاشقانه وی است»، (حائری، ۱۳۸۶: ۷)

عرفان [و تصوف] در بسیاری از اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان و حتی مکاتب فلسفی شایع و رایج است و مکتبی تأثیرگذار در زبان و اندیشه، در تاریخ، فرهنگ و ادبیات اسلامی و ایرانی بوده است، «در زبان گویندگان پارسی، اصول و مبانی این تفکر فراگیر گاهی به احترام و زمانی به انسان و وقتی با اصلاح و دگرگونی یاد شده است»، (همان: ۵) عرفان شناختی حقیقت‌گرایانه و تلاشی عمل-گرایانه فراتر از واقع‌گرایی حسی - عقلی و آرمان‌گرایی تصویری است از این‌رو این مرام با رازگونگی و غیب‌باوری آمیخته از «عشق» و «ذوق» و «اشراق» همراه است، نوعی روش برای حصول به حقیقت است که بر این فرض بنا شده است که عقل و حواس پنجگانه به دلیل خطاهای ادراکی قابل اتکا نیستند و به تنهایی قادر به درک حقیقت نمی‌باشند و از این رو به نوعی تلاش برای ادراک بی واسطه حقایق نیاز است که بدان عرفان می‌گویند،

در عرفان دو اصطلاح معروف به نام مقام و حال یا سیر و سلوک سالک و عارف است، هر یک از آن دو را مراتبی و پله‌هایی است برای رسیدن به حق، مقامات عرفانی را معمولاً هفت دانسته‌اند و اولین مقام سالکان طریق، توبه است، «شرایط توبه در عرفان عبارتند از تأسف بر مخالفت و نافرمانی‌های خود، ترک زلت و لغزش‌ها و عزم نا کردن و بازنگشتن به گناه»، (حائری، ۱۳۸۶: ۲۹) توبه در آثار بزرگان تاریخ تصوف اسلامی بازتاب گسترده‌ای دارد، «سیری اجمالی در آثار مشایخ بزرگ به وضوح نشانگر این معنی است، از آثار ارزشمند آنان چنین بدست می‌آید که تقریباً همه اینها توبه را از مهمترین مقام‌های سالک راه حق می‌دانسته‌اند، بعنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف‌الاسرار گرفته، منازل السائرین و صد میدان و،، این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده است، محیی‌الدین عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی باب مفصلی را در دایره‌المعارف بزرگ خود (الفتوحات المکیه) به این امر اختصاص داده است، نجم‌الدین رازی در «مرصادالعباد» دو مبحث

بسیار مهم در این مورد دارد، مولوی افزون بر طرح مسئله توبه در «مثنوی معنوی» به مناسبت‌های مختلفی، توبه نصوح را بطور جالب، جامع و مشروح بیان فرموده است، بلبل گلستان شعر و عرفان، حافظ شیرازی در حد قابل توجهی مسئله را مدنظر داشته و در سی و دو بیت از دیوان خود به بیان توبه پرداخته است، ابن فارض، شبستری و نسفی هر کدام به نوبه خود بر اهمیت این موضوع اصرار ورزیده‌اند، برای نمونه، خواجه عبدالله انصاری را در ارزش والای توبه می‌گوید: «... توبه نشان راه است و سالار بار و کلید گنجو شفیع وصال و میانجی بزرگ و شرط قبول و سر همه شادی»، (حسینی، ۱۳۷۲)

گاه توبه عرفانی را با شریعت یکی نمی‌دانند «زیرا که توبه در شریعت بدون هیچ واسطه‌ای بین بنده و حق است و موضوع آن پشیمانی از نافرمانی و بازگشتن به دستورات دینی است؛ در حالی که توبه در طریقت به دست پیر و مرشد و مراد صورت پذیر است و موضوع آن ترک ما سوی الله می‌باشد» (همان: ۳۱) اما گریخواهیم در کمترین و زیباترین عبارات از این موضوع سخن بگوییم اشارات ابوسعید ابی‌الخیر کفایت می‌کند، در اسرار توحید آمده است که «آورده اند: استاد امام ابوالقاسم قشیری قدس الله سره العزیز، یک شب با خود اندیشه کرد که فردا به مجلس شیخ شوم و ازوی بپرسم که شریعت چیست و طریقت چیست؟ تا چه گوید، دیگر روز پگاه به مجلس آمدم و بنشستم، شیخ در سخن آمد پیش از آنکه استاد امام سوال کردی، شیخ گفت: ای کسی که می‌خواهی که از شریعت و طریقت بپرسی، بدان که ما جمله علوم شریعت و طریقت را به یک بیت آورده‌ایم و آن بیت این است:

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار، اینک شریعت مهردلپیش آروفضول بردار، اینک طریقت!
امام الحرمین ابوالمعالی جوینی گفته است هرچه ما در کتابها خواندیم و نوشتیم و تصنیف کردیم و بسیاری رنج به ما رسید؛ آن سلطان طریقت شیخ ابوسعید در این یک بیت بیان کرده است»، (حائری، ۱۳۷۴: ۳۹)

در مقدمه این مکتوب یادآوری شد «عرفان نگاه هنری و جمال شناسانه نسبت به الهیات و دین» است، (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۸) بنابراین آنچه در فقه و حقوق مجازات اسلامی منبعث از شریعت اسلام و قرآن و حدیث در مورد توبه قابل پذیرش است همان مسأله در عرفان بانگاه هنری و عاطفی به عبارت دیگر تسامح و انعطاف بیشتری به میان می‌آید و ضمن نگاه جمال شناسانه، انسان ساز و وسیله سعادت‌مندی بشری در دنیا و آخرت قلمداد می‌شود، «در واقع توبه انقلاب است، انقلابی درونی، حرکتی در جان تا آزاد گردد و به سوی حق سیر کند، یعنی از دیدگاه عارفان، گناهان، غفلتها و... حجابهایی است که گوهر جان رازندانی نموده است و بر آن حکومت می‌کند و سالک باید

درنخستین گام بیدار شود، علیه این سلطه بپاخیزد و با انقلابی اذدرون، جان را آزاد کند تا بتواند به سوی حق پرواز نماید و این همان توبه است و چون حجابها و پرده‌ها نسبی و تشکیکی است، این معنا در همه مراتب توبه وجود دارد، چه حجاب ازظلمت باشد و چه از نور، باید انقلاب درونی و آتش ندامت‌جان را بلرزاند، متزلزلش کند و با یک دگرگونی و زیر و رویی زمینه سیر روحانی عارف را فراهم آورد، جان و روح توبه همان‌سوز، درد، انقلاب درونی و آتش ندامت است،» (حسینی، ۱۳۷۲)

امام محمدغزالی توبه را نتیجه علم می‌داند، یعنی معتقد است اول باید علم و آگاهی نسبت به گناه و معصیت داشت بعد از آن وقتی دانستیم گناه مانع میان گناهکار و خداست پشیمانی به معنی واقعی صورت می‌گیرد،

باین توضیح مختصر، می‌توان گفت دردیدگاه عرفانی توبه‌ای که انقلاب روحی درتائب به وجودآورد نه تنها در دنیا موجب سقوط مجازات می‌شود بلکه درقیامت هم وسیله رستگاری و عفو و آمرزش الهی را به دنبال دارد،

یافته‌ها و نتیجه‌گیری:

در اسلام برای کارهای خلاف شرع، مجازات و برای بسیاری از جرائم حد مشخص گردیده و گاهی عواملی مانند توبه برای حذف و عفوحد و بسیاری جرم‌ها، هم تعیین شده است، توبه که بیانگر اهمیت رویکرد ناظر به اصلاح مجرمین در اعمال مجازات‌هاست امری درونی بوده و تشخیص آن مشکل است اما تابع ضوابط و شرایطی در شرع و عرفان، از جمله تلاش برای جبران گذشته می‌باشد، توبه بازگشتن از بی‌راهی و آمد باز راه، بازگشت از گناه، خودداری مجرم از ارتکاب و تکرار جرم و گناه می‌باشد، توبه یکی از موارد خاص اسلامی است که مورد پذیرش خاص و عام از مفسران، علمای علم اخلاق، متکلمان، محدثان، عارفان و صوفیان است، آن جا که هدف اصلی و رسالت انبیا، تربیت و پرورش انسان‌های صالح و در نهایت رستگاری انسان‌هاست، یافته‌های پژوهش هم نشان می‌دهد که:

۱- در حقوق و قانون مجازات اسلامی اصلاح و تربیت هدف اصلی مجازات‌ها و در نتیجه آرامش و اصلاح فرد و جامعه است، در عرفان اسلامی مقصود نهایی رسیدن به حق که اوج سعادت و خوشبختی است، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که آسان‌ترین وسیله اصلاح و تربیت در مجازات‌ها برای برگشتن مجرم به دامان اجتماع، توبه است، خدای متعال عفو و اغماض تمام گناهان کوچک و بزرگ را غیر از شرک، از عاصیان و گناهکاران، وعده داده است و وعده خداهم حق است و در آن تبدیل و تغییری نیست، در عرفان، سالک برای رسیدن به حصول و حق باید از پله‌ها و مقاماتی

بگذرد دیباچه و مقدمه مقامات عرفانی و گاه اولین مقام، توبه است،

۲- توبه پس از انقلاب اسلامی در قوانین کیفری ایران وارد شد، در حالی که این تاسیس قانونگذار به عنوان عامل سقوط مجازات در قوانین کیفری پیش از انقلاب در نظر گرفته نشده بود، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی اولین بار قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱ بر این موضوع پرداخت، و در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ به مبحث توبه و جرم اختصاص پیدا کرده است،

۳- براساس نظر مشهور فقیهان امامیه، توبه در مجازات‌های حدی چه حقوق الله صرف و چه حقوق الناس (در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید) تاثیر دارد و توبه محارب قبل از دستگیری قابل قبول و موجب سقوط حد و در قذف به لحاظ این که فقط با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود، تاثیری ندارد و چنان چه محاربه با اقرار ثابت شود امام در عفو و یا اقامه مجازات مجرم مخیر می‌باشد،

۴- اگرچه براساس قانون مجازات اسلامی تاثیر و نقش توبه فقط باعث معافیت مجرم از حیث جنبه کیفری بزه می‌باشد و نه جنبه حقوقی بزه انتسابی و جبران خسارات مالی؛ احراز توبه برای قاضی به علت عدم تعیین ملاک مشخص، کارساده‌ای نیست و در نتیجه در مرحله اجرا و عمل با مشکل مواجه می‌شود، تغییرات روحی و روانی، رفتار متواضعانه و پشیمان گونه آن گونه که رویکرد عرفانی و فقه اسلامی یادآور می‌شود می‌تواند اطمینان قاضی را در وصول به حقیقت توبه مجرم آسان تر نماید،

۵- دستاورد مهم در این پژوهش، بررسی و تحلیل توبه در اسلام با رویکرد عرفانی، فقهی، حقوقی، می‌تواند شباهت کارکرد آن را در نظریه و عمل، مشخص کرده و نه تنها متفاوت از هم نبوده بلکه مکمل و متمم همدیگر در اجرا و عمل هستند،

۶- هر چند احراز توبه مورد تاکید قرار گرفته و برای تظاهر به آن، ضمانت اجرا مقرر شده است؛ اجرای آن در حق الله میسر است و بررسی تطبیقی آن در حوزه عرفان، فقه و نظام کیفری می‌تواند پژوهش‌های نو و مناسب باشد،

۷- پیام امیدبخش پروردگار برای بندگان پریشان روزگار، با رویکرد عاطفی عرفانی کاملاً منطبق است و می‌تواند سرلوحه امور فقهی و قضایی برای عاملان و دست‌اندرکاران در این حوزه باشد: «هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ، او (خدا) کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند» (شوری/۲۵) و براساس نص صریح قرآن فقط شرک به خدا قابل بخشش نیست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ

ذَلِكَ لِمَنْ شَاءَ، «به راستی که خداوند شرک ورزیدن را نخواهد بخشید، ولی آنچه را کمتر از آن است، برای کسی که بخواهد، خواهد بخشید»،

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم،
- ۲- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۸۱)، دفتر عقل و آیت عشق، جلد دوم، تهران، طرح نو،
- ۳- ابن خلکان برمکی اربلی، أبو العباس شمس الدین (۱۹۰۰م)، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، محقق: إحسان عباس، ج ۴، دارصادر، بیروت
- ۴- ابن منظور، ابوالفضل، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دارالفکر،
- ۵- اردبیلی، سیدعبدالکریم، (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، دانشگاه مفید،
- ۶- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ ۱۹،
- ۷- انصاری، قاسم، (۱۳۷۵)، مبانی عرفان و تصوف، نشر طهوری، تهران،
- ۸- تبریزی، جواد، (۱۴۱۷)، اسس الحدود و التعزیرات، (فقه استدلالی) دفتر مولف،
- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح تاج اللغة، دارالعلم،
- ۱۰- حائری، محمدحسن، (۱۳۷۴)، متون عرفانی فارسی، تهران: کتاب ماد،
- ۱۱- -----، (۱۳۸۶)، مبانی عرفان و تصوف و ادب پارسی، تهران: علم،
- ۱۲- حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۹۴)، «تاملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی»، (مقاله) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
- ۱۳- حبیبزاده، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، محاربه در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تربیت مدرس،
- ۱۴- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، موسسه آل البیت،
- ۱۵- حسینی، سیدعلی، (۱۳۷۲)، «توبه و جایگاه بلند آن در عرفان»، فصلنامه معرفت، شماره ۶،
- ۱۶- حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، کتابخانه امام امیرالمومنین،
- ۱۷- حلبی، جعفر بن حسن، (علامه حلبی)، (۱۴۱۹)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، الوفاء،
- ۱۸- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء الکلام العرب من الکلام، دارالفکر المعاصر،
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲)، لغت نامه، دارالعلم،
- ۲۰- رضایی، محمدجلیل، (۱۳۹۰)، «تبیین فقهی حقوقی مفسد فی الارض و مقایسه آن با تروریسم»، پایان نامه ارشد،
- ۲۱- الزحیلی، وهبه، (۱۴۲۷)، الفقه اسلامی و ادلته، احسان،
- ۲۲- سلطانیان، مریم، (۱۳۸۶)، «نقش توبه در سقوط مسئولیت کیفری»، پایان نامه ارشد،
- ۲۳- الشربینی، خطیب، (۱۴۱۵)، المغنی المحتاج، دارالمکتب العلمیه،
- ۲۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران، نشر سخن،
- ۲۵- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی (حقوقی) میزان،
- ۲۶- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۷)، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، انتشارات حقوق

اسلامی،

۲۷- صدیقی طیبه، (۱۳۷۹)، «آثار توبه و نقش آن در اجراء و اسقاط مجازات اسلامی»، پایان نامه ارشد،

- ۲۸- طاهری، حبیب‌الله، (۱۳۸۴)، «نقش توبه در اسقاط حدود»، پژوهش‌های فقهی،
- ۲۹- طوسی، محمدبن علی بن حمزه، (۱۴۰۸)، الوسیله الی نیل الفضیله، کتابخانه مرعشی نجفی،
- ۳۰- فیض، علیرضا، (۱۳۶۹)، تطبیق در حقوق جزای عمومی در اسلام، امیرکبیر،
- ۳۱- قرشی، سیدعلی‌اکبر، (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ج اول،
- ۳۲- گلریز، امین، (۱۳۹۳)، شرح کامل قانون مجازات اسلامی در نظام عدالت کیفری ایران، با نظارت حقوقی و فقهی آقایان فرج الهی و موسوی، مجد،
- ۳۳- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی، روزنامه رسمی،
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۸)، انوارالفقاهه، کتاب الحدود و التعزیرات، مدرسه امام علی،
- ۳۵- موسوی خمینی، سیدروح‌اله، (بی‌تا)، تحریر الوسیله، دارالعلم،
- ۳۶- موسوی خوبی، سیدابوالقاسم، (بی‌تا)، میانی تکمله المنهاج، مطبعه الاداب النجف الاشرف،
- ۳۷- موسوی، اردبیلی، سیدعبدالکریم، (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، موسسه مفید،
- ۳۸- مومنی، عابدین، (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی، شهر دانش،
- ۳۹- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۴)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (حقوق کیفری اختصاصی ۳) بنیاد حقوقی میزان،
- ۴۰- نجفی، (بی‌تا)، کاشف الغطاء کشف العظلاء عن مبهمات الشریعه، داراحیاء التراث العربی،
- ۴۱- نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱)، جواهر الکلام، داراحیاء التراث العربی، ۵۹،
- ۴۲- نعنکار، مهدی، (۱۳۷۷)، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، مرسل،
- ۴۳- ولیدی، محمدصالح، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، نشر داد،
- ۴۴- هاشمی شاهرودی، (۱۴۱۷)، سید محمود و دیگران، معجم فقه الجواهر، (فقه استدلالی)، میزان.